

خاشقجی؛

هزینه‌های که بر گردن ریاض است



سید محمد میرزا محمدزاده

رجب طیب اردوغان صبح روز سه‌شنبه (۱۱ آبان) استادی خود را در ایجاد تعلیق ژئوپولیتیک اثبات کرد. در واقع اقدام اردوغان پرونده‌های را که می‌رفت مختومه شود، دوباره زنده کرد. او با پرده برداری از حادثه قتل جمال خاشقجی و تأیید خالت مقامات سعودی در این حادثه، کار مشاوران بن سلمان را سخت کرد. حرف‌های بسیاری مانده که اردوغان نگه داشته است. شاید اگر او در یک اقدام ناگهانی همه آنچه را که یافته بود به روی دایره می‌ریخت، این داستان برای سعودی‌ها ختم بخیر می‌شد؛ اما او با دادن قطره چکانی اطلاعات، برنامه نمک بر زخم ریختن خود را طولانی‌تر کرده است. به عقیده نگارنده، ترکیه از سال ۲۰۱۵، پس از به قدرت رسیدن بن سلمان به عنوان بازوی اجرایی پادشاه سلمان شاهد حوادث هولناکی بوده است که قطعا بی‌ارتباط با حکمرانی بن سلمان نیست. حالا زمان انتقام رسیده است. شاید بازی اردوغان در نهایت به تحولاتی در عربستان سعودی بینجامد که برای ترکیه نیز شیرین باشد.

اردوغان با خبرگی توانست تعلیق رادر موضوع پرونده قتل روزنامه‌نگار به حد اکثر برساند. پس از نشر گسترده اطلاعات از تحقیقات قتل چند هفته‌ای در موضوع قتل خاشقجی، تغییر مواضع ناگهانی نشان می‌دهد که بحران برای عربستان همچنان با برجا است

روزنامه انگلیسی گاردین در سرمقاله خود به بررسی مسأله مرگ جمال خاشقجی پس از اعلام جزئیات قتل وی از سوی رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، پرداخت و نوشت: اردوغان با خبرگی توانست تعلیق را در موضوع پرونده قتل روزنامه‌نگار، جمال خاشقجی به حد اکثر برساند. پس از نشر گسترده اطلاعات از تحقیقات قتل چند هفته‌ای در موضوع قتل خاشقجی، تغییر مواضع ناگهانی نشان می‌دهد که بحران برای عربستان سعودی همچنان با برجا است. در چند هفته اخیر، پس از ناپدید شدن جمال خاشقجی، منتقد رژیم سعودی و ستون نویس روزنامه واشنگتن پست، روزنامه‌ها سراسر پر از مطالب وحشتناک از احتمالات قتل وی بودند. اردوغان میدانست که مخاطبانش پادشاه‌های نگران کننده از ماهیت سرد قتل روزنامه‌نگار و مثله کردن وحشیانه وی، مملو شده‌اند و حس می‌کنند آگاه هستند. وی با اثبات استادی در وحشت‌افزایی خود، مخاطبانش را بر آن داشت که فراموش کنند چقدر در مورد این ماجرا اطلاعات دارند. در واقع اردوغان موفق شد همگان را شوکه کند. اول از همه او با تأیید

سعودی تقدیر کرد، امانه از پسرش؛ شاهزاده محمد بن سلمان، کسی که قدرت اجرایی عربستان به‌شمار می‌رود. چنین اقدام وحشتناکی بدون تأیید شاهزاده محمد به نظر غیر قابل تصور می‌رسد. احتمالاً دولت ترکیه در ادامه به‌دراز اطلاعات به رسانه‌های قابل اعتمادش ادامه دهد تا این موضوع را به حقیقت تبدیل کند. از زمانی که پدرش تاج پادشاهی را در سال ۲۰۱۵ بر سر گذاشت، شاهزاده به‌طور گستاخانه‌ای قدرت را برای خود متمرکز کرد و دست به بازداشت فعالین مخالف و منتقد و غیر قابل تحملی زد که مدعی بودند اقدامات مدنیها برای کمپین‌های خودشان بود نه براندازی پادشاهی. سیاست خارجی او هم بمباران و حمله برای شهر و نودان کشور همسایه‌اش یمن بود. زنجیره لفاظی‌های اصلاحات و مدرنیزه کردن عربستان سعودی وی در مواجهه با جنایات جنگی و زندانی کردن‌های خودسرانه او، تو خالی از کار درآمد. کاری که مرگ خاشقجی با محمد بن سلمان کرد در واقع تسریع بر داشته شدن نقاب از یک چهره به‌ظاهر قوی و تبدیل آن به یک مستبد همچون صدام حسین بود، کسی که منتقدانش را در خارج از کشور می‌کشت و در داخل با فرزندانش دست می‌داد. همچنین دیگر ستمگران عرب، بن سلمان می‌دانست که ظواهر ساده بقدری گول زنده است که هیچکس تمایل ندارد اولین نفری باشد که پرده از آن بر می‌دارد. او با



کاری که مرگ خاشقجی باین سلمان کرد در واقع تسریع بر داشته شدن نقاب از یک چهره به‌ظاهر قوی و تبدیل آن به یک مستبد همچون صدام حسین بود، کسی که منتقدانش را در خارج از کشور می‌کشت و در داخل با فرزندانش دست می‌داد

دولت دونالد ترامپ توانست در نبود یک اخلاقیات در رهبری جهانی بهره و قدرت بگیرد. او همچنین نسبت به این مسئله آگاه است که ترامپ به دنبال نزدیکی با عربستان در آغاز دور جدید تحریم‌های آمریکا علیه ایران در اوایل ماه نوامبر (۱۳ آبان) است. با این وجود به نظر می‌رسد که رئیس‌جمهور آمریکا با این حقیقت که ریاض نتوانسته منافعی را تأمین کند، از خواب بیدار شده است و درک کرده که سرپوش گذاشتن بر داستان فریبنده سعودی‌ها در ماجرای خاشقجی برای اعتبار یک ابر قدرت جهان هزینه سنگین دارد. پادشاه سلمان باید خودش برای این مسئولیت‌ها گام پیش بگذارد و هیچکس باور ندارد که این از عهده مشاوران رسانه‌ای بن سلمان و مقامات اطلاعاتی او بر آید. شاید پادشاه قدرت یا انگیزه انجام چنین اقدامی را ندارد، بویژه آنکه این حرکت اقدام علیه پسر قدرتمند او به شمار می‌رود.

اگر جامعه بین‌الملل در نهایت مسئولیت این قتل را بر گردن سلطنت بپذیرد، می‌تواند، و باید، تحریم‌هایی را علیه فروش سلاح به این کشور اعمال کند. سازمان ملل متحد اگر قرار نیست تحقیقات خودش در زمینه قتل را آغاز کند، حداقل باید ریاض را محکوم کند. عربستان سعودی باید مقابل یک بررسی مناسب قرار گیرد. شاید این اقدام بتواند مردم عربستان را از شاهزاده گستاخ‌شان حفظ کند و به هدفی دست پیدا کند که خاشقجی در زندگی خود قصد داشت به آن برسد.



اصرار می‌کنند و اروپا می‌گویند از قدرت خود برای جلوگیری از آن استفاده می‌کند. اگر اروپا این فشار را بیاورد، ممکن است ایتالیا از اتحادیه خارج شود و برای حفظ سیستم بانکی اقدام به چاپ واحد پولی خود کند و اینکار برای کسی که سومین وام‌دار بزرگ دنیا به‌شمار می‌رود کار راحتی نیست.

از طرفی خروج ایتالیا از اتحادیه می‌تواند فشار را به دیگر کشورهای وارد کند. چرا که اگر چنین اتفاقی برای یک کشور ممکن است بیفتد، برای دیگران هم می‌تواند اتفاق بیفتد. اتحادیه می‌تواند جلوی فروپاشی مالی ایتالیا را بگیرد، اما اگر اینکار را انجام دهد، احتمالاً با آلمان هم همین مسئله را تکرار کند. در واقع این تناظر مضحک است: ۶۰ سال یکپارچگی، با چند رقم اعشار در ارزش کسری بودجه، دچار بحران می‌شود. به اتحادیه اروپا ۲۰۱۸ خوش آمدید.

اتحادیه احتمالاً از ایتالیا بخواهد که به‌نامه ریاضتی جدیدی را برای دریافت کمک اجرا کند؛ اما بعداً است ایتالیا این اقدام را انجام دهد؛ چرا که مقاومت این کشور برای جلوگیری از شکل‌گیری چنین اتفاقی بوده است. بر همین اساس بازارها پیش‌بینی می‌کنند که بانک مرکزی اجازه دهد هزینه‌های ایتالیا بالا رود.

از طرفی همچنان که ارزش اوراق ایتالیا پایین می‌آید، نرخ بهره آن بالا می‌رود و این خبر بدی برای صاحبان بدهی ایتالیا است و آنها کسی جز بانک‌های ایتالیا نیستند. کاهش ارزش دارایی‌های بانک‌ها منجر می‌شود که آنها وام‌دهی‌های خود را قطع کنند و در بدترین حالت ممکن است اعلام ورشکستگی کنند و در نهایت سیستم بانکی ایتالیا وابسته به کمک بانک مرکزی اتحادیه است.

در واقع ایتالیا بر بر نامه کسری بودجه خود

هنوز این افزایش کمتر از میزان سال ۲۰۱۱ است که تهدید این کشور برای خروج از اتحادیه اروپا بود، اما همین مقدار از هزینه‌های سال ۲۰۱۶ این کشور بالاتر است. در واقع بازار میزان بدهی وام‌های ایتالیا را خطرناک‌تر از هر دولت دیگری می‌داند.

در واقع می‌توان یک نتیجه‌گیری از این موضوعات کرد: سرمایه‌گذاران در اوراق عرضه‌رم نگران خود بر نامه بودجه‌ای رم نیستند؛ آنها تنها به دنبال میزانی از کسری در بودجه هستند که بدهی کلی آنها را اثبات ببخشد؛ بلکه این بازار است که نگران واکنش اتحادیه اروپا علیه بر نامه بودجه‌ای ایتالیایی می‌شود.

تنها راه جلوگیری از افزایش بدهی، این است که بانک مرکزی اتحادیه بگوید جلوی آن را می‌گیرد. به عبارت دیگر این بانک مرکزی است که با عرضه نامحدود یورو، برای خرید اوراق عرضه ایتالیا، جلوی افزایش بدهی‌های آن را بگیرد.

ولی در چند سال اخیر این مسئله رویه بانک مرکزی اتحادیه نبوده است، چرا که این بانک این کار را برای بایستی قوی‌تر کل اتحادیه اروپا در دست اقدام دارد. اما این کار ممکن است بر اساس زمان‌بندی در انتهای سال جاری میلادی برای ایتالیا انجام شود. اما برای این منظور بانک

در قالب دولت ائتلافی، برنامه بودجه‌ای با حداقل تخلف از قوانین حاکم اتحادیه اروپا ارائه کردند. خب این چطور به بحران تبدیل شد؟ جواب این است که اروپا این رفتار را تنها یک تخلف کوچک از سوی ایتالیایی‌ها دانست. حزب پوپولیست ایتالیا، کسری از تولید ناخالص ملی خود را از هشت‌دهم درصد به ۲۰ و چهاردهم درصد افزایش داده است و در واقع این چالشی برای هدف اتحادیه‌ای نزدیک‌تر به شمار می‌رود. افزایش کسری از یک منظر، مثل کاری که فرانسه در سال آینده انجام می‌دهد و بابت آن عذرخواهی می‌کند و خودش، امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور کشور را به عنوان نماد اتحادیه اروپا در اختیار دارد. کار منطقی است؛ اما زمانی که شما کلا قوانین را به استهزا بگیرید و اصلاً متعهد به ایده پروژه اروپای متحد به نظر نیایید، داستان فرق می‌کند. اینجاست که کمسیون اروپا، بدنه فراملیتی که قدرت رد برنامه بودجه کشورهای عضو دارد، با پیش می‌گذارد و اقدام قبلی‌های رادر صورت عدم تبعیت رم و مانع تراشی بیشتر برای قوانین کسری بودجه که همه آن را به عنوان برنامه جامع مالی اتحادیه اروپا پذیرفته‌اند، به اجرا می‌گذارد.

همین مسئله به نوبه خود کافی است تا ارزش بدهی‌های ایتالیا، بسیار افزایش یابد. هر چند که

چند رقم اعشار، اتحادیه را تهدید می‌کند؛

تقابل ترسناک ایتالیا و اروپا

سجاد موسوی راضی

واشنگتن پست نوشت: ایتالیا مدت‌ها است که به بحران مخفی اتحادیه اروپا تبدیل شده است. حالا این بحران بیشتر سراز می‌کند. مسئله بسیار ساده است. اقتصاد ایتالیا فراموش کرده که چطور رشد کند. در واقع اگر همه چیز را در بهتر بین حالت برای جمعیت رو به پیری این کشور در نظر بگیریم، اقتصاد ایتالیا همچنان همان اندازه‌ای است که در سال ۲۰۰۳ بود. این عدم رشد اقتصادی به همراه کارنامه سیاه میراث دهه ۱۹۸۰ این کشور، ایتالیا را مجبور می‌کند بر نامه کسری بودجه بیشتر را در پیش بگیرد تا بار اضافه بدهی‌های خود را از دست بدهد. ترکیب این عدم رشد، به همراه ریاضت‌های اقتصادی تمام عیار، به نظر به یک واکنش سیاسی غیر قابل اجتناب ختم می‌شود؛ دقیقاً همان چیزی که اوایل سال جاری میلادی با آن روبرو شد. حزب ظاهراً چپ‌گرای موسوم به جنبش ۵ ستاره ایتالیا، نظر جنوب‌نشینان تپی دست را با برنامه اقتصادی در آمد حداقلی برای فقرا به خود جلب کرد و در همین حال حزب شدیدا راست‌گرای لیگ، توانست اکثریت آرا را وعده کاهش مالیات و بیرون انداختن مهاجرین به شمال‌نشینان، به خود جلب کند؛ آن‌ها سپس

آینده اقتصاد چین؛

تعرفه‌های ترامپ اثر می‌کند؟

باروی کار آمدن ترامپ در ایالات متحده آمریکا، سیاست‌های ترامپ علیه چین تقویت شد. تنش‌ها در زمینه سیاسی و همچنین در زمینه اقتصادی بالا گرفت و دو طرف اقداماتی را علیه یکدیگر انجام دادند. یکی از اقدامات اولیه، اعمال تعرفه‌های سنگین آمریکا علیه واردات کالاها چینی بود. تعرفه‌هایی که می‌تواند چالش‌های جدی برای شرکت‌های چین ایجاد کند. البته چین هم بیکار ننشست و تعرفه‌هایی را علیه واردات کالاها آمریکایی اعمال کرد. برخی کارشناسان معتقدند این تقابل اقتصادی می‌تواند بسر اقتصاد جهانی تأثیر بگذارد. اقتصاد چین در ۲ سال اخیر رشد کم سابقه‌ای را تجربه کرده است که با تنش‌های اخیر ممکن است دچار چالش شوند.

لیند میلر، تحلیلگر اقتصادی روز دوشنبه (۳۰ مهر) در یک برنامه تلویزیونی در شبکه سی‌ان‌بی‌سی گفت: همزمان با آغاز تأثیر جنگ تجاری آمریکا و کاهش رشد اقتصادی چین، احتمالاً شرایط سخت‌تری برای اقتصاد این کشور شکل بگیرد.

میلر، مدیرعامل شرکت چاپنا بیج بوک، که شرکتی مستقل در زمینه گردآوری داده‌ها در مورد سلامت اقتصادی چین است، در این برنامه گفت: تعرفه ۲۰۰ میلیارد دلاری اخیر ترامپ و تهدید به تعرفه‌های بیشتر از سوی وی برای آینده، چین را در شرایط سختی قرار داده است.

چین در واکنش به تعرفه‌های اخیر ترامپ، تعرفه‌هایی به ارزش ۶۰ میلیارد دلار علیه کالاها آمریکایی وضع کرد. میلر در برنامه اسکووک با کس گفت: وضعیت تعرفه‌های جدید، مشکل بالقوه خیلی بدی را برای چین در سه ماهه چهارم سال جاری میلادی ایجاد کرده است و انتظار می‌رود این شرایط در سه ماهه اول سال ۲۰۱۹ (بهمن ۹۷ تا فروردین ۹۸) برای چین تشدید شود. میلر می‌گوید: حتی اگر منازعات تجاری آمریکا-چین تا اول ژانویه حل نشود، اقتصاد چین با هم به سختی آسیب می‌بیند. مگر آنکه دیگر بخش‌های اقتصادی چین به این ضعیفی نماند.

روز جمعه (۲۷ مهر) چین از رشد ۶ و نیم درصدی پایین اقتصادی خود در بازه سه ماهه خبر داد. رقمی که رشد ۶ و هفت‌دهم درصدی مورد انتظار این کشور در تولید ناخالص ملی را که در سه ماهه پیش از آن پیش‌بینی شده بود، برآورده نکرد. در مقابل اقتصاد آمریکا، چهار و ۲ دهم درصد در سه ماهه دوم پیشرفت داشت. بر اساس پیش‌بینی سی‌ان‌بی‌سی، گزارش این هفته وزارت بازرگانی ایالات متحده آمریکا، احتمالاً افزایش سه و سه‌دهم درصدی تولید ناخالص ملی این کشور خبر دهد.

اگر چه به‌اذعان میلر، اقتصاد چین می‌تواند متأثر از فاکتورهای داخلی غیر مرتبط با تنش‌های تجاری با ایالات متحده باشد. وی گفت: داده‌های چین نشان می‌دهند که کارخانجات این کشور حتی قبل از اعمال تعرفه‌های جدید، عملکرد ضعیفی داشته‌اند و اقتصاد این کشور بعد از رشد سریع دو سال اخیر، این کاهش نرخ رشد را تجربه کرده است که می‌تواند در نتیجه عملکرد صنایع باشد. میلر افزود: در واقع تعرفه‌های ترامپ منجر به ترس این کارخانجات از اتفاقات احتمالی سال ۲۰۱۹ شد و رشد این کارخانجات را مبهم کرد. جنگ تجاری بین دو اقتصاد بزرگ دنیا اجلاس سران G-۲۰ را که قرار است در ماه آینده میلادی در آرژانتین برگزار شود، بسیار محوری کرده است. میلر با بیان این موضوع گفت: اگر در اجلاس پیش‌رو گشایشی در روابط دو کشور ایجاد شود، کاهش رشد اقتصادی چین می‌تواند بر طرف شود.

تلاش‌هایی برای دیدار احتمالی ترامپ و شی جین‌پینگ در این اجلاس در حال انجام است. ویلیام راس، وزیر بازرگانی ایالات متحده آمریکا، هفته گذشته گفت: مذاکرات تجاری آمریکا و چین در کم‌رفته است. در همین حال، لری کودلاو، مشاور اقتصادی ارشد ترامپ گفت: چنین هیچ علاقه‌ای به طرح پیشنهادی ایالات متحده نشان نداده است.

میلر افزود: اگر در نشست G۲۰ که ماه آینده برگزار می‌شود، شاهد عقب‌نشینی دو طرف باشیم، بازار بسیار از این موضوع خوشحال می‌شود. شاید شرایط همچون قبل نشود، اما می‌تواند تنش‌های عظیم کنونی را بر طرف کند.